

بررسی اثرات روش های تدریس و محتوای آموزشی بر ارتقای مهارت خواندن دانش آموزان پایه چهارم

الهام رستگار فرد^۱، بلال ایزانلو^۲

^۱ کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش ارزشیابی آموزشی دانشگاه خوارزمی، تهران ایران (نویسنده مسئول)

^۲ استاد دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر شیوه های تدریس نوین معلمان و محتوای آموزشی استاندارد بر مهارت خواندن دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی انجام شد. این مطالعه در دسته پژوهش های شبه آزمایشی قرار دارد و شامل یک گروه آزمایش و دو گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه چهارم شهر تهران در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. نمونه پژوهش، ۱۰۰ دانش آموز پایه چهارم بود که به صورت نمونه در دسترس انتخاب شدند. سه کلاس به پژوهش اختصاص یافت: گروه آزمایش ۱۰ جلسه آموزشی ۵۰ دقیقه ای با استفاده از روش های تدریس مشارکتی و داستان گویی بر اساس محتوای کتاب های پرلز دریافت کرد (دو جلسه در هفته). در مقابل، دو گروه کنترل به روش سنتی آموزش دیدند. پس از پایان دوره آموزشی، مهارت خواندن هر سه گروه با یک آزمون ۲۶ سؤالی شامل دو متن ادبی از کتاب های پرلز ارزیابی شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS26 و از طریق تحلیل واریانس و تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها نشان داد که روش های تدریس نوین و محتوای آموزشی استاندارد تأثیر معناداری بر مهارت خواندن دانش آموزان دارند. این شیوه ها موجب بهبود در مؤلفه های مختلف مهارت خواندن از جمله سرعت و دقت خواندن، درک مطلب، تفکر انتقادی، و توانایی استنباط شدند. این پژوهش تأیید می کند که شیوه های تدریس نوین و محتوای آموزشی به روز و استاندارد نقش بسزایی در تقویت مهارت های خواندن دانش آموزان ایفا می کنند. این رویکردها با ایجاد محیط های تعاملی و مشارکتی، نه تنها مهارت های پایه خواندن را ارتقا می دهند، بلکه زمینه ساز یادگیری عمیق تر، افزایش تفکر خلاق، و موفقیت تحصیلی در مقاطع بالاتر هستند. ترکیب روش های نوین تدریس با محتوای آموزشی مناسب می تواند محیط یادگیری غنی و چندبعدی فراهم کند که تأثیرات مثبتی بر سایر دروس و پیشرفت کلی تحصیلی دانش آموزان خواهد داشت.

واژه های کلیدی: شیوه تدریس، محتوای آموزشی، مهارت خواندن، دانش آموزان پایه چهارم

مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز که با شتاب فزاینده‌ای به‌سوی پیشرفت و تعالی گام برمی‌دارد، خواندن به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین مهارت‌های زندگی، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. خواندن، دریچه‌ای است به‌سوی جهان بی‌کران دانش و آگاهی، ابزاری است برای درک و تحلیل دنیای پیرامون، و پلی است برای ارتباط با فرهنگ‌ها و اندیشه‌های گوناگون. اهمیت خواندن در رشد و شکوفایی انسان به‌اندازه‌ای است که آن را ستون فقرات تمدن بشری و مهم‌ترین مهارت برای زندگی در جامعه می‌دانند (همتی و همکاران، ۱۴۰۱). خواندن نه تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای کسب اطلاعات و دانش عمل می‌کند، بلکه در تقویت توانایی‌های شناختی، از جمله تفکر انتقادی، حل مسئله و خلاقیت نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنین، خواندن در پرورش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی موثر نیز تأثیر بسزایی دارد. افرادی که از مهارت خواندن قوی برخوردارند، بهتر می‌توانند در جامعه مشارکت کنند، با چالش‌های زندگی مقابله کنند و به‌طور کلی، زندگی موفق‌تر و پربارتری داشته باشند (سیمونز و همکاران، ۲۰۱۰).

در این میان، آموزش خواندن به کودکان، به‌ویژه در سال‌های آغازین تحصیل، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این دوران، زمانی طلایی برای شکل‌گیری پایه‌های مهارت خواندن و علاقه‌مندی به مطالعه در کودکان به شمار می‌رود. کودکانی که در این دوران به طور مؤثر خواندن را فرامی‌گیرند، نه تنها در تحصیل موفق‌تر خواهند بود، بلکه در آینده نیز از این مهارت برای رشد و پیشرفت خود بهره خواهند برد. (سوانسان و همکاران، ۲۰۲۱) باتوجه به اهمیت این موضوع، روش‌های نوین تدریس باهدف ایجاد تجربه‌های یادگیری معنادار و جذاب برای دانش‌آموزان، به طور گسترده‌ای موردتوجه قرار گرفته‌اند. روش‌های سنتی تدریس که معلم را در مرکز فرایند یادگیری قرار می‌دادند و دانش‌آموزان نقش منفعلانه‌ای داشتند، جای خود را به روش‌های فعال و دانش‌آموز محور داده‌اند. در این روش‌ها، تلاش می‌شود تا دانش‌آموزان به طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند و با استفاده از تجربیات خود و تعامل با همسالان و معلم، به ساخت دانش و مهارت بپردازند (رومنس و ویتال، ۱۹۹۲). یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای، پرورش نسل جدیدی است که بتواند به‌خوبی با چالش‌های دنیای پیچیده و پویای امروز مقابله کند (چنگیزی و همکاران، ۱۳۸۷). در این راستا، مهارت خواندن به‌عنوان یکی از مهارت‌های بنیادین و ضروری برای موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باتوجه به این اهمیت، ضروری است که روش‌های آموزشی و محتوای آموزشی به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که بتوانند به طور مؤثر مهارت خواندن را در دانش‌آموزان تقویت کنند (همتی و همکاران، ۱۴۰۱). در این پژوهش، به بررسی تأثیر روش‌های تدریس و محتوای آموزشی بر مهارت خواندن دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی پرداخته‌ایم. امید است که یافته‌های این پژوهش بتواند به معلمان و مربیان در انتخاب روش‌های تدریس و محتوای آموزشی مناسب برای آموزش مهارت خواندن کمک کند و به بهبود کیفیت آموزش و پرورش در کشور منجر شود.

مهارت خواندن یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین توانایی‌های شناختی است که نقش اساسی در موفقیت تحصیلی و آینده شغلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این مهارت پایه و اساس یادگیری در سایر زمینه‌های درسی است و همچنین به‌عنوان ابزاری ضروری برای مشارکت در جامعه دانش‌محور امروزی شناخته می‌شود (ایندریانی و همکاران، ۲۰۲۱). باتوجه به اهمیت مهارت خواندن در زندگی انسان، آموزش و پرورش این مهارت از دوران کودکی بسیار حائز اهمیت است (میتاک و همکاران، ۲۰۲۳). کودکان در سال‌های اولیه تحصیل، با اصول و مبانی خواندن آشنا می‌شوند و به تدریج مهارت‌های لازم برای درک مطلب، استخراج اطلاعات، نتیجه‌گیری و تفسیر متون را فرامی‌گیرند. در این میان، نقش معلمان و مربیان در آموزش مهارت خواندن بسیار کلیدی است. آنها با انتخاب روش‌های تدریس مؤثر و استفاده از محتوای آموزشی مناسب می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا به طور مؤثرتری مهارت خواندن را فراگیرند و از آن در زندگی خود بهره ببرند (پیشقدم ابراهیمی، ۱۳۹۸).

باوجود این اهمیت، متأسفانه بسیاری از دانش‌آموزان در دوره ابتدایی با مشکلات جدی در مهارت خواندن مواجه هستند. این مشکلات می‌تواند تأثیر منفی بر عملکرد تحصیلی آینده آنها داشته باشد و به کاهش اعتمادبه‌نفس و انگیزه یادگیری آنها منجر شود. عوامل متعددی در ایجاد این چالش نقش دارند، از جمله روش‌های تدریس معلمان، محتوای آموزشی، عوامل فردی دانش‌آموزان، و عوامل محیطی و اجتماعی. در سال‌های اخیر، باتوجه‌به پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و تغییر نیازهای جامعه، روش‌های تدریس نیز دستخوش تحولات بسیاری شده است. روش‌های سنتی تدریس که بر مبنای انتقال مستقیم اطلاعات از معلم به دانش‌آموز بود، جای خود را به روش‌های نوین و دانش‌آموز محور داده است. در این روش‌ها، تلاش می‌شود تا دانش‌آموزان به طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند و با استفاده از تجربیات خود و تعامل با همسالان و معلم، به ساخت دانش و مهارت بپردازند (دوی و همکاران، ۲۰۲۳).

در دهه‌های اخیر، روش‌های تدریس فعال و دانش‌آموز محور به‌عنوان روش‌های مؤثر برای آموزش مهارت خواندن موردتوجه قرار گرفته‌اند. در روش مشارکتی، دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک با یکدیگر همکاری می‌کنند و با بحث و گفتگو در مورد موضوع درس، به یادگیری می‌پردازند. در روش داستان‌گویی، معلم با استفاده از داستان‌ها و روایت‌ها، مفاهیم درس را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد و باعث افزایش علاقه و انگیزه آنها به یادگیری می‌شود. علاوه بر روش‌های تدریس، محتوای آموزشی نیز نقش مهمی در آموزش مهارت خواندن دارد. محتوای آموزشی باید با سطح سنی و علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان متناسب باشد و آنها را به چالش بکشد. همچنین، محتوای آموزشی باید از نظر زبانی و مفهومی غنی باشد و به دانش‌آموزان کمک کند تا واژگان خود را گسترش دهند و با ساختارهای زبانی مختلف آشنا شوند. (معیوف و ابورزق، ۲۰۲۲)

مهارت خواندن، به پژوهش‌های اخیر اهمیت روش‌های نوین آموزشی و نقش انگیزش را در بهبود مهارت‌های خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان برجسته کرده‌اند. فروتن و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی کیفی با روش تحلیل محتوا، تأثیر انگیزش درونی و بیرونی بر مهارت‌های خواندن را بررسی کردند. این مطالعه با مصاحبه عمیق از ۳۳ معلم ابتدایی شهر گلستان و تحلیل موضوعی داده‌ها انجام شد. نتایج نشان داد که علاوه بر عوامل شخصیتی و انگیزش درونی، عوامل بیرونی نظیر خانواده، نظام آموزشی و کتابخانه‌ها نیز نقش مهمی در بهبود این مهارت دارند. پژوهشگران بر ضرورت هماهنگی میان این عوامل برای دستیابی به بهبود مؤثر تأکید کردند.

الداعی (۱۴۰۰) در یک مطالعه شبه‌آزمایشی با طراحی چهار گروهی سولومون، تأثیر روش تدریس تعاملی را بر مهارت‌های درک مطلب دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی بررسی کرد. نمونه شامل ۱۰۰ دانش‌آموز از منطقه ۱۸ آموزش و پرورش تهران بود که به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. با استفاده از آزمون سواد خواندن پرلز ۲۰۱۱ و ابزارهای آماری مانند آزمون t و تحلیل کوواریانس، مشخص شد که روش تدریس مشارکتی تأثیر معناداری بر تمامی سطوح درک مطلب، شامل تمرکز، استنباط، تفسیر و ارزیابی محتوا دارد. این یافته‌ها بر اهمیت روش‌های تدریس تعاملی در تقویت درک مطلب تأکید دارند.

پیش‌قدم و قانندی (۱۳۹۸) در پژوهشی دیگر، به بررسی تأثیر الگوی تدریس هیجانی بر آگاهی واج‌شناختی دانش‌آموزان مبتلا به سندروم داون پرداختند. آن‌ها نشان دادند که موانع موجود در پردازش اطلاعات این دانش‌آموزان می‌تواند با استفاده از راهبردهای مؤثر آموزشی کاهش یابد. یافته‌های این مطالعات بر ضرورت بهره‌گیری از روش‌های آموزشی هدفمند و متناسب با نیازهای دانش‌آموزان تأکید دارند و راهنمایی ارزشمندی برای معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی ارائه می‌دهند.

پژوهش‌های متعددی در زمینه تأثیر روش‌های آموزشی و استراتژی‌های تدریس بر بهبود مهارت‌های خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان انجام شده است. بایگیت (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با طراحی پیش‌آزمون - پس‌آزمون تک گروهی بر روی ۱۸ دانشجوی علوم بهداشتی، نشان داد که یادگیری مشارکتی به طور معناداری درک مطلب دانش‌آموزان درون‌گرا و برون‌گرا را بهبود می‌بخشد. دانش‌آموزان برون‌گرا از تعاملات گروهی و دانش‌آموزان درون‌گرا از فضای تأمل متفکرانه بهره‌مند شدند. این

نتایج تأکید بر اهمیت انطباق روش های تدریس با ویژگی های شخصیتی دانش آموزان دارد. کانتو و همکاران (۲۰۱۴) و هاف (۲۰۱۲) نیز با استفاده از طراحی های آزمایشی، اثربخشی داستان گویی بر بهبود عملکرد تحصیلی و درک مطلب را تأیید کردند. این روش باعث افزایش مهارت های خواندن و موفقیت تحصیلی دانش آموزان شد. باساربا و همکاران (۲۰۱۲) و اندرسون (۲۰۱۹) نیز به اثر مثبت داستان گویی بر بهبود مهارت های خواندن و پیشرفت تحصیلی تأکید کردند. این پژوهش ها نقش کلیدی داستان گویی را در ارتقای مهارت های شناختی و تحصیلی برجسته می کنند.

اندرسون (۲۰۱۸) استراتژی های درک مطلب را برای زبان آموزان بررسی کرد و نشان داد که بهره گیری از راهبردهای مناسب آموزشی می تواند ارتباط معناداری با موفقیت در مهارت های زبانی داشته باشد. همچنین، چاپل (۲۰۰۷) به تحلیل دشواری های درک مطلب در کودکان کلاس سوم پرداخت و نشان داد که توانایی رمزگشایی و دانش پیش زمینه ای تأثیر عمده ای بر درک متون روایی و نمایشی دارد. (دوی و همکاران، ۲۰۲۳).

بروتون (۲۰۰۵) با مقایسه مدل های مختلف آموزشی، اهمیت استفاده از استراتژی های جامع خواندن را در بهبود درک مطلب دانش آموزان پایه نهم ایالات متحده بررسی کرد و اثربخشی مدل های استنتاجی و دانش پیش زمینه ای را نشان داد. در پژوهشی دیگر، بارالت و گومز (۲۰۱۷) با اجرای برنامه SCRATCH در یک مطالعه عملی ۱۵ هفته ای، نشان دادند که دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی با مشکلات درک مطلب می توانند از سطح اضطراب به خواندن مستقل ارتقا یابند.

این مطالعات به طور کلی اهمیت روش های آموزشی نوین، مانند یادگیری مشارکتی و داستان گویی، و همچنین انطباق این روش ها با ویژگی های فردی دانش آموزان را برجسته می کنند. یافته ها بر این نکته تأکید دارند که طراحی برنامه های آموزشی مؤثر، متناسب با نیازها و توانایی های دانش آموزان، نقش کلیدی در ارتقای مهارت های خواندن و درک مطلب دارد (رحماواتی و همکاران، ۲۰۲۳). نوان یکی از مهارت های پایه در آموزش ابتدایی، نقش کلیدی در موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارد. بالین حال، وضعیت دانش آموزان ایرانی در آزمون های بین المللی نگران کننده است. بر اساس نتایج آزمون پرلز ۲۰۱۶، ایران با نمره ۴۲۸ در رتبه ۴۵ از میان ۵۰ کشور قرار گرفت که این نتایج نشان دهنده ضعف جدی در مهارت خواندن و نیاز به تمرکز ویژه بر بهبود آن است. دوره ابتدایی، به ویژه پایه چهارم، مقطعی حساس برای تقویت این مهارت محسوب می شود؛ چراکه در این مرحله، دانش آموزان از "یادگیری خواندن" به "خواندن برای یادگیری" گذر می کنند. پژوهش ها نشان داده اند که مشکلات خواندن در این مقطع، اگر شناسایی و رفع نشوند، تأثیرات منفی بلندمدتی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان خواهند داشت. یافته های پژوهشی، از جمله نتایج نشنال ریدینگ پنل، اهمیت شیوه های تدریس و محتوای آموزشی را در تقویت مهارت خواندن تأیید می کنند. این مطالعه پنج عنصر کلیدی آموزش مؤثر خواندن شامل آگاهی واجی، آموزش واج شناسی، روان خوانی، واژگان و درک مطلب را شناسایی کرده است. روش های نوآورانه ای مانند داستان گویی و تدریس مشارکتی که در این پژوهش نیز مورد بررسی قرار گرفته اند، نشان داده اند که می توانند با ایجاد جذابیت بیشتر در فرایند یادگیری، تأثیر چشمگیری در بهبود مهارت خواندن داشته باشند. این رویکردها، به ویژه برای دانش آموزانی که با اختلالات یادگیری مواجه هستند، مفید واقع می شوند (اکسوز و آکیول، ۲۰۲۴).

علاوه بر تأثیرات آموزشی، بهبود مهارت خواندن می تواند پیامدهای گسترده ای در سطح جامعه داشته باشد. مطالعات نشان داده اند که افزایش سطح سواد عمومی ارتباط مستقیمی با پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارد (همتی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین، مهارت خواندن و درک مطلب بهتر با موفقیت تحصیلی، شغلی و سلامت روانی در بزرگسالی همراه است. بنابراین، توجه به این مهارت نه تنها در راستای ارتقای کیفیت آموزشی، بلکه به عنوان ابزاری برای توسعه ملی اهمیت دارد.

باتوجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر شیوه های تدریس و محتوای آموزشی بر مهارت خواندن دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی طراحی شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا شیوه های تدریس و محتوای آموزشی می توانند درک خواندن دانش آموزان را بهبود بخشند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر روش های مشارکتی و داستان گویی بر مهارت خواندن دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی، در قالب یک طرح شبه آزمایشی انجام شد. این پژوهش شامل یک گروه آزمایش و دو گروه کنترل بود که جامعه آماری آن را دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل می دادند. به دلیل محدودیت های عملی در دسترسی به نمونه ها، سه کلاس در دسترس انتخاب شدند که تعداد دانش آموزان آنها به ترتیب ۳۵، ۳۰ و ۳۵ نفر بود. بدین ترتیب، نمونه پژوهش شامل ۱۰۰ دانش آموز بود که به صورت غیر تصادفی انتخاب شدند.

روش آموزش برای گروه آزمایش، تدریس به شیوه مشارکتی و داستان گویی بود که طی ۱۰ جلسه (دو جلسه در هفته، هر جلسه ۵۰ دقیقه) برگزار شد. دو گروه کنترل نیز در همین بازه زمانی از روش های سنتی آموزش استفاده کردند. پس از اتمام دوره آموزشی، عملکرد هر سه گروه در یک آزمون استاندارد مهارت خواندن که شامل ۲۶ سوال بود، ارزیابی شد. این آزمون شامل دو متن ادبی از کتاب های پرلز بود و سوالات آن در قالب چندگزینه ای، باز پاسخ و کوتاه پاسخ طراحی شده بود. هدف از آزمون، ارزیابی مهارت خواندن در چهار سطح عملکردی شامل تمرکز و بازیابی اطلاعات، استنتاج های ساده، تلفیق و تفسیر اطلاعات، و بررسی و ارزشیابی ویژگی های متن بود.

برای گردآوری اطلاعات، معدل دانش آموزان به صورت کمی از طریق ارزیابی های معلمان، پرونده های آموزشی و سوابق توصیفی جمع آوری شد. همچنین، نگرش دانش آموزان نسبت به خواندن از طریق پرسش نامه ای سنجیده شد. ابزارهای اندازه گیری به دلیل استفاده از منابع معتبر (کتاب های پرلز) از روایی کافی برخوردار بودند. پایایی ابزارها نیز با روش آلفای کرونباخ بررسی شد که ضریب پایایی کل آزمون برابر با ۰.۸۴ بود. همسانی درونی آزمون نشان داد که سوالات مرتبط با متن اول (سوال های ۱ تا ۱۴) دارای ضریب همسانی ۰.۸۵ و سوالات متن دوم (سوال های ۱۵ تا ۲۶) دارای ضریب ۰.۶۵ هستند. اگرچه سوال ۲۵ کمترین همبستگی را با سایر سوالات نشان داد، پایایی کلی آزمون قابل قبول ارزیابی شد.

برای تجزیه و تحلیل داده ها، نرم افزار SPSS26 به کار گرفته شد. در بخش توصیفی، از شاخص هایی مانند میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمرات استفاده شد تا نمای کلی از داده ها ارائه شود. در بخش استنباطی، تحلیل کوواریانس و تحلیل واریانس به منظور بررسی تأثیر روش تدریس بر مهارت خواندن دانش آموزان مورد استفاده قرار گرفت. این روش ها برای کنترل متغیرهای مزاحم و مقایسه عملکرد گروه های آزمایشی و کنترل، کارایی بالایی داشتند.

نتایج تحلیل داده ها نشان دهنده انسجام ابزارهای اندازه گیری و کارایی روش های آماری برای پاسخ به سوالات پژوهش بود. انتخاب روش مشارکتی و داستان گویی برای گروه آزمایش در مقایسه با روش سنتی تدریس، تأثیرات مثبت و معناداری بر مهارت خواندن دانش آموزان نشان داد که به تفصیل در ادامه پژوهش بررسی شده است. این پژوهش با بهره گیری از ابزارهای استاندارد، روش شناسی دقیق و تحلیل آماری پیشرفته، به خوبی توانسته است تأثیر روش های نوین آموزشی را در ارتقای توانمندی های دانش آموزان پایه ابتدایی مستندسازی کند.

یافته‌های تحقیق

این پژوهش تأثیر شیوه تدریس و محتوای آموزشی بر مهارت خواندن دانش‌آموزان را با استفاده از گروه‌های آزمایش و کنترل بررسی کرده است. نمونه شامل ۱۰۰ دانش‌آموز بود که به سه گروه تقسیم شدند: گروه آزمایش (۳۵ نفر)، گروه گواه اول (۳۵ نفر)، و گروه گواه دوم (۳۰ نفر). میانگین معدل در گروه‌های آزمایش، گواه اول، و گواه دوم به ترتیب ۱۵،۸۹، ۱۶،۴۰ و ۱۴،۸۷ بود. آزمون لون نشان داد که پراکندگی معدل در سه گروه یکسان است. بالاین‌حال، تحلیل واریانس حاکی از تفاوت معنادار میانگین معدل بین گروه‌ها بود. ($F=5.017$, $P=0.008$, $\eta^2=0.094$)

جدول ۴-۲ آماره‌های توصیفی متغیر مهارت خواندن به تفکیک گروه‌ها

گروه	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	(SE) کجی	(SE) کشیدگی
آزمایش	۳۵	۲۴	۵۰	۴۲/۱۱	۵/۱۵	-۱/۲۱۷(۰/۳۹۸)	۳/۵۴۵(۰/۷۷۸)
گواه اول	۳۵	۱۶	۳۶	۲۴/۶۳	۴/۷۸	۰/۳۲۴(۰/۳۹۸)	-۰/۰۳۷(۰/۷۷۸)
گواه دوم	۳۰	۱۵	۳۸	۲۸/۶۷	۵/۷۶	-۰/۱۲۰(۰/۴۲۷)	-۰/۵۸۵(۰/۸۳۳)

میانگین مهارت خواندن در گروه آزمایش ۴۲،۱۱ بود که به‌طور قابل‌توجهی بالاتر از گروه گواه اول (۲۴،۶۳) و گروه گواه دوم (۲۸،۶۷) بود. تحلیل کوواریانس نشان داد که شیوه تدریس و محتوای آموزشی اثر معناداری بر مهارت خواندن دارد. ($F=112.28$, $P<0.001$, $\eta^2=0.701$). نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی نشان داد که میانگین مهارت خواندن در گروه آزمایش به‌ترتیب ۱۷،۱۵ و ۱۴،۱۲ نمره بیشتر از گروه‌های گواه اول و دوم است، درحالی‌که تفاوت میان دو گروه گواه ۳،۷۸ نمره بود.

جدول ۴-۵ نتایج تحلیل کوواریانس اثر بخشی شیوه تدریس و محتوای آموزشی بر مهارت خواندن

منبع تغییر	SS	Df	MS	F	p	مجدور جزئی اتا
معدل	۱۶۴/۷۳	۱	۱۶۴/۷۳	۶/۳۹	۰/۰۱۳	۰/۰۶۲
خطا	۲۴۷۵/۶۵۵	۹۶	۲۵/۷۸۸			
گروه	۵۷۹۰/۹۸	۲	۲۸۹۵/۴۹	۱۱۲/۲۸	<۰/۰۰۱	۰/۷۰۱
خطا	۲۴۷۵/۶۵۵	۹۶	۲۵/۷۸۸			

مفروضه‌های تحلیل کوواریانس

۱. نرمال بودن: تحلیل کجی و کشیدگی و آزمون شاپیرو - ویلک نشان داد که داده‌های گروه آزمایش دارای انحراف جزئی اصثیرظز نرمال هستند، اما این انحراف تأثیر قابل‌توجهی بر تحلیل نداشت.
۲. یکسانی شیب‌های رگرسیون: آزمون‌ها نشان داد که رابطه بین معدل (متغیر همپراش) و مهارت خواندن (متغیر وابسته) در سه گروه مشابه است ($F(2,94)=1.779$, $P=0.174$)؛ بنابراین، تحلیل کوواریانس قابل‌اجرا بود.

۳. همگنی واریانس ها: آزمون لون تأیید کرد که واریانس مهارت خواندن در سه گروه یکسان است. ($P=0.683$)

تحلیل نهایی و مقایسه میانگین ها

جدول ۴-۸ نتایج تحلیل واریانس اثربخشی شیوه تدریس و محتوای آموزشی بر مهارت خواندن

منبع تغییر	SS	Df	MS	F	p	مجذور جزئی اتا
گروه	۵۸۵۴/۶۰۵	۲	۲۹۲۷/۳۰۲	۷۲۳/۱۰۸	<۰/۰۰۱	۰/۶۹۴
خطا	۲۵۸۴/۷۴۹	۹۶	۲۶/۹۲۴			

تحلیل کوواریانس نشان داد که شیوه تدریس و محتوای آموزشی به طور معناداری مهارت خواندن را بهبود می بخشد. میانگین تعدیل شده مهارت خواندن در گروه آزمایش (۴۲,۲۰) به مراتب بالاتر از گروه های گواه اول (۲۵,۰۵) و گواه دوم (۲۸,۰۸) بود. نتایج آزمون بونفرونی نشان داد که تفاوت میان گروه آزمایش با هر دو گروه گواه از نظر آماری معنادار است ($P<0.001$)، درحالی که تفاوت میان گروه های گواه اول و دوم کمتر و تنها در سطح $P=0.014$ معنادار بود.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر روش های تدریس و محتوای آموزشی بر مهارت خواندن دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی، اطلاعات ارزشمندی را ارائه داده که در این بخش به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. یافته های این پژوهش به روشنی نشان می دهد که روش های تدریس نوین مانند تدریس مشارکتی و داستان گویی تأثیر قابل توجهی بر بهبود درک خواندن دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی دارند. نتایج جدول ۴-۱۰ حاکی از آن است که این روش ها به طور معناداری توانسته اند مهارت های درک مطلب دانش آموزان را تقویت کنند و زمینه را برای یادگیری عمیق تر فراهم آورند. روش تدریس مشارکتی، که بر تعامل و همکاری میان دانش آموزان تأکید دارد، فرصتی فراهم می کند تا آن ها از طریق بحث و تبادل نظر درک بهتری از متون پیدا کنند (الدافی، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، داستان گویی، با ایجاد پیوندهای عاطفی و شناختی با محتوای آموزشی، درگیر کردن دانش آموزان در فرایند یادگیری را تسهیل می کند. (مرادی، ۱۴۰۳).

هدف این پژوهش بررسی میزان تأثیر روش های تدریس معلمان و محتوای آموزشی بر مهارت خواندن دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی بوده است. مهارت خواندن یکی از نیازهای اساسی برای یادگیری دانش آموزان در دنیای امروزی به شمار می رود. توانایی فهم و تفسیر متون درسی و غیردرسی به دانش آموزان کمک می کند تا با اندیشه ها و اطلاعات جدید آشنا شوند و "بهتر فکر کردن" و "بهتر زیستن" را بیاموزند. مهارت خواندن به معنای علمی و جامع، ابزاری است که از طریق آن می توان به مخازن بی پایان تجربیات انسانی دست یافت. این مهارت کلید تمام یادگیری هاست، زیرا بیشتر آموزش ها از طریق آن انجام می گیرند. حتی برای یادگیری دروسی نظیر ریاضی، تاریخ و جغرافیا، تسلط بر درک مطلب و توانایی خواندن ضروری است (لورین، ۱۳۸۱).

خواندن مهارتی است که به وسیله آن می توان از محتوای نوشتاری، اطلاعات کسب کرد. تعریف کامل تر آن به این صورت است: "خواندن فرایندی فعال است که از طریق آن خواننده به پیمایی که درون نوشته موجود است، پی می برد." خواننده بر مبنای اطلاعات پیشین همواره در جستجوی اکتشافات جدید است؛ بنابراین با بهره گیری از تجربیات گذشته، متن برای او معنا می یابد و ترکیبی از کلمات نوشته، معانی بیشتری را انتقال می دهند. از جمله عوامل اصلی مؤثر در فرایند آموزش، "معلم" است. (اکسوز و آکیول، ۲۰۲۴) مجموعه مهارت های معلم در فرایندی به نام "تدریس" خلاصه می شود. تدریس یک تلاش دوطرفه است؛ از یک سو معلم به دانش آموز کمک می کند تا بهتر و سریع تر یاد بگیرد و از سوی دیگر، دانش آموز یاد می گیرد چگونه به صورت مستقل یادگیری داشته باشد که این "خودآموزی" یا "خود یادگیری" نامیده می شود (میسون، ۲۰۱۷). یادگیری مشارکتی که بر همکاری و تعامل بین دانش آموزان تأکید دارد، به عنوان یک استراتژی مؤثر در افزایش درک خواندن شناخته شده است. اسلاوین (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان داد که روش های یادگیری مشارکتی به طور معناداری درک خواندن دانش آموزان را بهبود می بخشد. این روش با فراهم کردن فرصت هایی برای بحث، تبادل نظر و آموزش همتا، به دانش آموزان اجازه می دهد تا درک خود را از متون عمیق تر کنند.

از سوی دیگر، داستان گویی به عنوان یک روش تدریس، با ایجاد ارتباط عاطفی و شناختی با محتوا، می تواند درک خواندن را تقویت کند. کاظمی و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود دریافتند که استفاده از داستان گویی دیجیتال تأثیر مثبتی بر مهارت های درک خواندن دانش آموزان دارد. این روش با درگیر کردن چندین حس و ایجاد زمینه ای برای پردازش عمیق تر اطلاعات، به بهبود درک مطلب کمک می کند. ترکیب این دو روش می تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد. جانسون و جانسون (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند که یادگیری مشارکتی، که می تواند شامل فعالیت های داستان گویی گروهی نیز باشد، منجر به بهبود عملکرد تحصیلی از جمله درک خواندن می شود.

علاوه بر این، این روش ها با نظریه های یادگیری معاصر همسو هستند. برای مثال، رویکرد مشارکتی با نظریه یادگیری اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی مطابقت دارد که بر اهمیت تعاملات اجتماعی در یادگیری تأکید می کند. همچنین، داستان گویی با نظریه یادگیری معنادار آزوبل همخوانی دارد، زیرا به ایجاد ارتباط بین دانش قبلی و اطلاعات جدید کمک می کند. باین حال، باید توجه داشت که اثربخشی این روش ها می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند سن دانش آموزان، سطح مهارت آنها، و نحوه اجرای روش ها قرار گیرد؛ بنابراین، معلمان باید این روش ها را با توجه به نیازها و ویژگی های خاص دانش آموزان خود تطبیق دهند (فاتحی راد و همکاران، ۱۳۹۸).

در مجموع، شواهد پژوهشی نشان می دهد که روش های تدریس مشارکتی و داستان گویی می توانند ابزارهای مؤثری برای بهبود درک خواندن دانش آموزان باشند. این روش ها با ایجاد محیطی تعاملی و معنادار برای یادگیری، زمینه را برای پردازش عمیق تر اطلاعات و در نتیجه، درک بهتر متون فراهم می کنند (Dewi et al., 2023). مطالعات پیشین نیز اثربخشی این روش ها را تأیید کرده اند. به عنوان مثال، پژوهش حبیبی کلیدر (۱۳۹۶) نشان داد که تدریس مشارکتی بر تفکر خلاق و مهارت های خواندن دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. قاسم پور (۱۳۸۸) نیز در مطالعه ای مشابه تأثیر روش های تدریس مشارکتی را در تقویت مهارت خواندن دانش آموزان به اثبات رساند. همچنین، یون و همکاران (۲۰۲۴) به اثربخشی خواندن راهبردی مشارکتی بر درک مطلب اشاره کردند. این نتایج با تحقیقات جانسون و جانسون (۲۰۰۹) که بر اهمیت فعالیت های گروهی در یادگیری تأکید داشتند و پژوهش کاظمی و همکاران (۲۰۱۸) درباره نقش داستان گویی دیجیتال در بهبود درک مطلب، همسو است.

تدریس مشارکتی با فراهم کردن محیطی تعاملی که در آن دانش آموزان می توانند از تجارب و ایده های یکدیگر بهره مند شوند، نه تنها درک متون را تسهیل می کند، بلکه مهارت های اجتماعی و ارتباطی را نیز تقویت می نماید. اسلاوین (۲۰۱۵) در پژوهشی

نشان داد که این روش از طریق ایجاد فرصت‌هایی برای تبادل نظر و آموزش همتا، به دانش‌آموزان کمک می‌کند مفاهیم را در سطوح عمیق‌تر پردازش کنند. همچنین، داستان‌گویی، با تحریک حس کنجکاوی و ایجاد زمینه‌ای برای پردازش عمیق اطلاعات، مهارت‌های درک خواندن را تقویت می‌کند. این روش از طریق ایجاد ارتباطات معنادار میان دانش‌آموز و محتوا، درگیرکردن حس‌های مختلف و تسهیل یادگیری، نقش مؤثری در بهبود درک مطلب دارد (ابراهیمی، ۱۳۹۸).

ترکیب این دو روش می‌تواند نتایج چشمگیری داشته باشد. به‌عنوان مثال، اجرای فعالیت‌های داستان‌گویی در قالب گروه‌های مشارکتی می‌تواند هم‌زمان از مزایای تعامل گروهی و روایت بهره‌مند شود. این یافته‌ها همچنین با نظریه‌های معاصر یادگیری تطابق دارند. نظریه یادگیری اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی بر اهمیت تعاملات اجتماعی در فرایند یادگیری تأکید دارد و روش‌های مشارکتی به‌خوبی این نظریه را منعکس می‌کنند. از سوی دیگر، نظریه یادگیری معنادار آزوبل نشان می‌دهد که ایجاد پیوند میان دانش قبلی و اطلاعات جدید، یادگیری عمیق‌تری ایجاد می‌کند؛ موضوعی که در روش داستان‌گویی کاملاً مشهود است. با این حال، موفقیت این روش‌ها وابسته به عواملی نظیر سطح مهارت دانش‌آموزان، نحوه اجرای تدریس و تطابق آن با ویژگی‌های خاص یادگیرندگان است؛ بنابراین، معلمان باید این روش‌ها را متناسب با نیازهای دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنند تا به بهترین نتایج دست یابند. یافته‌های پژوهش تأیید می‌کند که روش‌های تدریس مشارکتی و داستان‌گویی به‌عنوان ابزارهای آموزشی نوین، تأثیر چشمگیری بر درک خواندن دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی دارند. این روش‌ها نه تنها زمینه را برای پردازش عمیق‌تر اطلاعات فراهم می‌کنند، بلکه با ایجاد محیطی تعاملی و معنادار، انگیزه یادگیری و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند. این نتایج بر اهمیت استفاده از این روش‌ها در طراحی برنامه‌های آموزشی تأکید دارد و می‌تواند راهنمای مؤثری برای معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی باشد.

منابع

- فانجی‌راد، ندا، و صحراگرد، رحمان. (۱۳۹۸). تأثیر روش مشارکتی بر مهارت خواندن از دیدگاه مدرسان زبان انگلیسی. Iranian Journal of English for Academic Purposes، ۸(۳)، ۴۸-۶۴.
- پیشقدم ابراهیمی. (۱۳۹۸). بررسی میزان اثربخشی استفاده از الگوی تدریس هیجانی بر ارتقای آگاهی واج‌شناختی و مهارت خواندن دانش‌آموزان سندروم داوون. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱۱(۲)، ۲۳۱-۲۵۰.
- اندرسون، لورین. (۱۳۸۱). افزایش کارایی معلم. (ترجمه علی رووف و منیژه رضایی). تهران: آبیژ.
- مرادی (رستا). (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل مهارت تندخوانی به عنوان مرحله ای از مهارت خواندن در فارسی و ضرورت آموزش آن به معلمان ابتدایی. پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی، ۵(۱)، ۷۷-۹۶.
- همتی، فاطمه، احمدی شکوه، علی اصغر و ترکی، روح اله. (۱۳۹۸). تأثیر تدریس گروهی بر پیشرفت مهارت خواندن و درک مطلب یادگیرندگان ایرانی انگلیسی با اهداف ویژه. آموزش در علوم انتظامی، ۶(۲۲)، ۱۱-۳۹.
- همتی، مامی و احمدی. (۱۴۰۱). بررسی نقش میانجی گری کارکردهای اجرایی در رابطه بین مهارت های اساسی حرکتی و مهارت خواندن در دانش‌آموزان دارای اختلال خواندن. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۴(۶)، ۴۱۶۱-۴۱۷۵.
- الداغی، آتنا. (۱۴۰۰). تأثیر روش تدریس و یادگیری تعاملی بر پیشرفت مهارت‌های درک مطلب (متون ادبی و اطلاعاتی) دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی منطقه ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران. فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت، ۳۷(۳)، ۱۶۳-۱۸۲.
- چنگیزی، علیرضا و فروغی، فتح الله. (۱۳۸۷). کتاب کار و خود آموز هدفدار فارسی اول راهنمایی (با نظارت علمی دکتر حسین قاسم پور مقدم). انتشارات شورا.

- Simmons, D., Hairrell, A., Edmonds, M., Vaughn, S., Larsen, R., Willson, V., Rupley, W., & Byrns, G. (2010). A Comparison of Multiple-Strategy Methods: Effects on Fourth-Grade Students' General and Content-Specific Reading Comprehension and Vocabulary Development. *Journal of Research on Educational Effectiveness*, 3, 121 - 156. <https://doi.org/10.1080/19345741003596890>
- Swanson, E., Stewart, A., Stevens, E., Scammacca, N., Capin, P., Hamilton, B., Roberts, G., & Vaughn, S. (2021). The Efficacy of Two Models of Professional Development Mediated by Fidelity on Fourth Grade Student Reading Outcomes†. *Journal of Research on Educational Effectiveness*, 17, 288 - 317. <https://doi.org/10.1080/19345747.2023.2181897>
- Romance, N., & Vitale, M. (1992). A curriculum strategy that expands time for in-depth elementary science instruction by using science-based reading strategies: Effects of a year-long study in grade four. *Journal of Research in Science Teaching*, 29, 545-554. <https://doi.org/10.1002/TEA.3660290604>
- Indriani, S., Utaminingsih, S., & Kanzunnudin, M. (2021). Development of Teaching Materials Based on Confidence Character Education for Improving Reading Skills of Grade IV Elementary Students. *JURNAL PAJAR (Pendidikan dan Pengajaran)*. <https://doi.org/10.33578/PJR.V5I2.8285>
- Mitak, M., , F., & Chesoh, M. (2023). Implementing Multisensory Approach to Overcome Reading Difficulties in 4th Grade Students. *Buletin Edukasi Indonesia*. <https://doi.org/10.56741/bei.v2i02.184>
- Ma'youf, N., & Aburezeq, I. (2022). The Effectiveness of Differentiated Teaching Strategy in Developing Reading Comprehension Skills of Fourth Grade Students in the United Arab Emirates. *Theory and Practice in Language Studies*. <https://doi.org/10.17507/tpls.1201.03>
- Öksüz, H., & Akyol, H. (2024). Effect of reciprocal teaching on comprehension, attention, rapid naming and working memory. *Turkish Journal of Education*. <https://doi.org/10.19128/turje.1453025>
- Mitak, M., , F., & Chesoh, M. (2023). Implementing Multisensory Approach to Overcome Reading Difficulties in 4th Grade Students. *Buletin Edukasi Indonesia*. <https://doi.org/10.56741/bei.v2i02.184>
- Dewi, D., Harlamu, M., & , H. (2023). The Effectiveness of the Cooperative Integrated Reading and Composition (CIRC) Method on Reading Comprehension Ability based on Reading Interest in Grade IV Elementary School Students. *International Journal of Research and Review*. <https://doi.org/10.52403/ijrr.20230924>
- Rahmawati, W., & Wachidah, K. (2023). The Effect of Interactive Multimedia on Reading Comprehension Skills in Grade 4 Elementary School Students. *Academia Open*. <https://doi.org/10.21070/acopen.8.2023.4745>